

ایبک هفت

سال سی و پنجم، شماره ششم
بهمن و اسفند ۱۴۰۳
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۰



آخر یکی از مُسلمانان چراغی قُرا راه مَن دارید! | چاپ نوشت (۱۷) |
برگی از ادبیات ضد صوفی در مسلمانان هند | نسخه خوانی (۳۹) |
آینه های شکسته (۷) | مرگ چنین خواجه... | تازیدن؟ تاسیدن؟
ناهیدن؟ | خراسانیات (۳) | یادداشت های لغوی و ادبی (۳) |
متنی دیگر از سَنیان دوازده امامی | نوشتگان (۱۱) | نظریه
آواشناختی خلیل بن احمد و زبان شناسی هندی | طومار (۹) |
اشارات و تنبیهات (۷) | حدیث «علي مع الحق» از عبات الأنوار |
رباعیات صرفی کشمیری در دیوان خاقانی | سحر با باد می گفتم
حدیث آرزومندی | **نکته، حاشیه، یادداشت**

جويا جهان بخش | مجيد جلیسه
رسول جعفریان | حیدر عبوضی
محمد سوری | مسعود راستی پور
امید حسینی نژاد | آریا طیب زاده
میلاد بیگلر | احمد رضا قائم
مقامی | علی راد | حمید عطائی
نظری | علی بوذری | سید علی
میرافضلی | مرتضی علی زاده نجارا
خلیل حسینی عطار | علی ایمانی
ایمنی | مرتضی کریمی نیا | سید
محمد حسین حکیم

اپوست آینه پژوهش | الجامع لعلوم القرآن، تفسیر أبي الحسن الرماني
روند تحول نگاه اهل سنت به نهج البلاغه در قرن هفتم هجری

بازیابی اجتهادی مستندات حدیثی فقه امامیه (۱): از اصول تا فرایند مورد مطالعه: الخلاف شیخ طوسی: مسئله هجده کتاب الحدود

دانشیار دانشکده الهیات، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، سطح چهار تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه قم | علی راد

| ۲۴۱-۲۶۸ |

۲۴۱

آینه پژوهش | ۲۱۰
سال ۳۵ | شماره ۶
بهمن و اسفند ۱۴۰۳

چکیده: چالش فراروی حدیث پژوهان مدرن با رویکرد مطالعات حدیثی معاصر در مطالعه مسئله هجدهم از کتاب الحدود الخلاف، اشاره نکردن شیخ طوسی به مفاد و مضمون مستندات حدیثی فتوای اوست و برای پژوهشگران روشن نیست که احادیث مدنظر شیخ طوسی کدام است؟ زیرا شیخ طوسی فقط به تعبیر کلی و مبهم «واخبارهم» بسنده می‌کند و از هرگونه ارجاع به مصادر این احادیث نیز اجتناب ورزیده است. چالش بسنده کردن به تعبیر کلی و مبهم «واخبارهم» در مقام بیان ادله حکم، اختصاص به مسئله هجدهم کتاب الخلاف ندارد و این چالش در شماری دیگر از مسائل کتاب الخلاف نیز مشاهده می‌شود. بنابراین اتخاذ یک رویکرد علمی در مواجهه با این چالش و داشتن الگویی روشمند و توجیه‌پذیر در حل آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. مسئله اصلی این پژوهش، تبیین اصول و فرایند علمی بازیابی، تحلیل و حدس علمی مستندات حدیثی این مسئله به عنوان نمونه آزمونی است و الگوی آن به سایر نمونه‌های مشابه در الخلاف و دیگر جوامع فقهی اولیه امامیه تعمیم‌پذیر است.

کلیدواژه‌ها: شیخ طوسی، کتاب الخلاف، مسئله زناکار بیمار و معلول، حدیث امامیه، بینامتنیت حدیثی، بازیابی اجتهادی، نقد کتاب.

Tūmār (9)

Ijtihād-Based Retrieval of Hadith Evidences in Imāmi Jurisprudence (1) From Principles to Process

Case Study: *Al-Khilāf* by Sheikh Ṭūsī – Issue 18 in *Kitāb al-Ḥudūd*

Ali Rad

Abstract: A key challenge facing modern hadith scholars engaged in contemporary hadith studies is the lack of explicit reference by Sheikh Ṭūsī to the content and substance of the hadith-based evidences underlying his rulings in *Kitāb al-Ḥudūd* of *Al-Khilāf*. Specifically, in Issue 18 of this work, it remains unclear which traditions he relied upon, as he merely employs the vague and generalized expression *wa-akbārubum* ("and their reports") without citing the sources of these hadiths. This issue is not unique to Issue 18 but is present in several other rulings throughout *Al-Khilāf*, creating a broader challenge for textual interpretation. Thus, it is imperative to adopt a scientific approach and establish a methodologically sound and justifiable framework for addressing this challenge. The primary objective of this research is to elucidate the principles and systematic process for retrieving, analyzing, and deducing the probable hadith-based evidences for this specific issue. The model developed here serves as a test case, offering a methodology that can be applied to similar issues within *Al-Khilāf* and other early Imāmi legal compendia.

Keywords: Sheikh Ṭūsī, *Kitāb al-Khilāf*, issue of the sick and disabled adulterer, Imāmi ḥadīth, intertextuality in hadīth, ijtihād-based retrieval, book critique.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

درآمد

محمد بن حسن طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ق) معروف به شیخ طوسی و شیخ الطائفه، از سرآمدن عالمان امامیه در دانش‌های فقه، اصول، کلام، حدیث و تفسیر قرآن در قرن پنجم هجری است. شیخ طوسی جایگاه سترگی در تاریخ و اندیشه امامیه دارد، آثار و آرای ایشان از گذشته تا کنون در اندیشه عالمان امامیه اثرگذار بوده است و همچنان هیمنه و سیطره شخصیت وی در گفتمان امامیه آشکار است^۱ و ادعای مرجعیت کتاب‌های شیخ طوسی به مثابه منابع اکتشاف نظریه امامیه در علوم مختلف، گزافه نیست. شیخ طوسی کتاب الخلاف خود را فقه مقارن در مسائل فقهی معرفی می‌کند و بر این مهم تأکید می‌نماید که مذهب امامیه نظریه فقهی خاص خود را در کنار دیگر مذاهب فقهی دارد و اختلاف‌های فقهی آن با مذاهب از بنیان‌های استوار قرآنی، حدیثی و اصول فقهی برخوردار است. شیخ طوسی در مقام بیان روش استدلال خود در هر مسئله از کتاب الخلاف چنین تصریح دارد: «احتجاج به هر آنچه موجب علم باشد، از ظواهر آیات قرآن، سنت قطعی الصدور، اجماع، دلیل خطاب، استصحاب، دلالت اصل، فحوای خطاب، حدیث نبوی از اخبار عامه که مخالفان بدان التزام عملی دارند، به همراه حدیثی از احادیث شیعیه که مضمون حدیث نبوی را از پیامبر (ص) یا امامان شیعیه روایت کرده باشد»^۲.

۲۴۳

آینه پژوهش | ۲۱۰
سال ۳۵ | شماره ۶
بهمن و اسفند ۱۴۰۳

مسئله و دامنه این پژوهش، بازایی اجتهادی، تحلیل و ارزیابی مستندات حدیثی مسئله هجده کتاب الخلاف شیخ طوسی است. در این پژوهش، مسئله هجده به مثابه یک نمونه آزمونی و مورد مطالعه است؛ بنابراین نوع رهیافت، اصول و فرایند و فرضیه‌های ارائه شده در مقاله اختصاص به این مسئله ندارد و کلیت رویکرد و روند علمی مقاله در موارد مشابه نیز تعمیم‌پذیر است، هرچند در هر موردی فرضیه تبیین‌کننده پژوهشگر متفاوت خواهد بود. موضوع این مسئله، حد زناکار مجرد بیماری است که به تداوم حیات وی امید نباشد. شیخ طوسی به کفایت اجرای حد زنا با ترکه صدتایی از شاخه درختان استناد می‌جوید و در مقام اقامه دلایل فتوای خود از احادیث امامیه - «واخبارهم» - به عنوان یکی از مستندات فتوای خود در کنار اجماع و آیه سوگند ایوب (ع) یاد می‌کند: «دلیلنا: اجماع

۱. بنگرید: علی دوانی، هزاره شیخ طوسی؛ محمد واعظ‌زاده خراسانی، یادنامه شیخ طوسی؛ مهدی کمپانی زارع، طوسی پژوهی؛ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۷۴-۷۵.

۲. طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۴۵.

الفرقة وأخبارهم وأيضاً قوله تعالى: وخذ بيدك ضغثاً فاضرب به ولا تحنث...^۱.^۱ شیخ طوسی با استناد به این دلایل، کفایت ترکۀ صحتایی بدل از شلاق در فرض مسئله مذکور را دیدگاه رسمی مذهب امامیه معرفی می‌کند. حال مسئله این است که مقصود شیخ طوسی از این احادیث کدام است؟ و چگونه می‌توان به احادیث دست یافت؟ پیش از حل این مسئله، پاسخ به پرسش‌های ذیل ضرورت دارد:

۱. رهیافت‌های ممکن در حل چالش مذکور کدام است و ادله هر کدام چیست؟

۲. بر پایه رهیافت معیار، اصول و فرایند بازیابی مستندات حدیثی الخلاف چگونه است؟

هرچند پژوهش حاضر از نوع اکتشافی است و امکان ارائه فرضیه تحقیق پیش از پژوهش درباره مسئله اصلی آن میسر نیست، پیشفرض کلی پژوهشگر چنین است:

از نگاه شیخ طوسی، وجود مستندات حدیثی حکم مسئله هجده در میراث حدیثی امامیه قطعی است؛ زیرا تعبیر «و اخبارهم» در عبارت ایشان صریح در این معناست. وثاقت، عدالت و جایگاه سترگ شیخ طوسی در انتساب قطعی این احادیث به مذهب امامیه، پشتوانه نظری این پیش‌فرض است.

این پژوهش، بر امکان و لزوم بازیابی مستندات حدیثی تأکید دارد و رهیافت امتناع یا عدم لزوم آن را مخدوش می‌داند. تلفیق روش لفظی با مفهومی در بازیابی این مستندات کارآمد است و نتایج موجهی را در حدس علمی مستندات حدیثی در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد. فرایند بازیابی اجتهادی دوسویه، هرمی و درهم‌تنیده است و بر چند گام اساسی استوار است. نشانه‌های متنی موجود در متن مسئله و فتوای شیخ، پیشنهاد و نمونه‌های مشابه آن در جوامع فقهی - حدیثی شیعه و عامه از مصادر بازیابی اجتهادی است.

با محوریت مسئله این پژوهش و رهیافت تحلیل انتقادی آن در پاسخ به مسئله، پژوهش نشریافته‌ای به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی به دست نیامد. بررسی این مسئله از دو سو اهمیت دارد؛ هیمنه آرای شیخ طوسی در فقه امامیه و مرجع بودن کتاب الخلاف در بیان آموزه‌های فقه امامیه.

۱. بازیابی اجتهادی؛ ضرورت‌ها، چالش‌ها و رهیافت‌ها

در مطالعه مسئله هجده کتاب الخلاف، چالش فراروی حدیث پژوهان مدرن با رویکرد مطالعات حدیثی معاصر، اشاره نکردن شیخ طوسی به مفاد و مضمون این احادیث است و برای پژوهشگران روشن نیست احادیث مدنظر شیخ طوسی کدام است؟ زیرا شیخ طوسی فقط به تعبیر کلی و مبهم «اخبارهم» بسنده کرده است و از هرگونه ارجاع به مصادر این احادیث نیز اجتناب می‌ورزد. شاید پیش‌فرض شیخ طوسی این است که متخصصان در فقه و حدیث امامیه و فقیهان زبده در فقه تطبیقی میان مذاهب اسلامی با این مستندات آشنا هستند و نیازی به ذکر یا حتی اشاره به مفاد آن نیست؛ ولی نیک می‌دانیم که اولاً امروزه چنین متخصصان حدیث انگشت‌شمارند؛ ثانیاً این احاله و ارجاع به نخبگان برخلاف اصول تألیف و اخلاق پژوهش است که عامدانه کاستی کتاب خود را به دیگران ارجاع دهیم.

هرچند رویه شیخ طوسی در کتاب الخلاف بر ایجاز استوار است و دلیل آن را پرهیز از اطاله بحث و ملال‌انگیز شدن کتاب بر خواننده گفته است،^۱ در مستندات حدیثی برخلاف این رویه را شاهد هستیم. در مسئله هجده الخلاف، التزام عملی شیخ طوسی به تعهد خود در گزارش مستندات حدیثی ادله فتاوایش را شاهد نیستیم. معنای متبادر از تعبیر «ذکر خبر» در متن تعهد عبارت شیخ طوسی، گزارش اصل متن حدیث یا مضمون آن به عنوان مستند حدیثی فتواست و تعبیر کلی «اخبارهم» جانشین معنایی آن نیست. رویه شیخ طوسی در بیشتر مسائل الخلاف، اشاره به فحوای کلی حدیث یا ذکر بخش مهمی از مضمون آن^۲ یا تصریح به وجود مستندات حدیثی حکم در کتاب تهذیب الأحکام^۳ است و این رویه نه تنها موجب اطاله بحث نیست، بلکه به دلیل نیاز خواننده کتاب، گزارش این مستندات یا مشخص نمودن منبع دستیابی به آن لازم است.

شیخ طوسی در مقدمه الخلاف، خود را به گزارش سنت نبوی از طرق عامه و امامیه به عنوان دلیل حدیثی حکم هر مسئله متعهد کرده است.^۴ بر اساس این تعهد،

۱. همان، ج ۱، ص ۴۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۳۸-۲۳۹، ص ۲۴۲، ص ۲۶۴-۲۶۵؛ ج ۲، ص ۴۵۰؛ ج ۳، ص ۵۰۹-۵۱۰؛ ج ۶، ص ۳۳-۳۴، ص ۵۳۴.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۳۹، ص ۲۵۷، ص ۲۵۹، ص ۲۶۰-۲۶۱، ص ۳۳۹-۳۴۰، ص ۴۱۸؛ ج ۲، ص ۱۶۹-۱۷۰، ص ۲۸۱، ص ۳۳۲-۳۳۴.

۴. همان، ج ۱، ص ۴۵.

روش‌شناسی شیخ در بیان دلیل خود ابتدا حدیث حاکی سنت نبوی از اخبار عامه را روایت می‌کند و سپس مضمون همان سنت نبوی را از طریق احادیث شیعه از رسول خدا (ص) یا ائمه شیعه (ع) گزارش می‌کند تا برای مذاهب دیگر الزام‌آور باشد؛ چراکه اعتبار سنت نبوی فرامذهبی و برخوردار از حجیت است؛ برای نمونه در مسئله شصت و شش در موضوع «وجوب الغسل عند التقاء الختانی» در مقام بیان مستندات حدیثی حکم مسئله، ابتدا حدیثی را از طریق عامه به روایت ابوهریره از رسول خدا (ص) گزارش می‌کند و در ادامه مضمون روایت ابوهریره را از امام رضا (ع) گزارش می‌کند تا همسویی مضامین احادیث امامیه با سنت نبوی از طریق عامه را نشان دهد.^{۱ و ۲}

چالش بسنده کردن به تعبیر کلی و مبهم «واخبارهم» در مقام بیان ادله حکم، اختصاص به مسئله هجدهم کتاب الخلاف ندارد و این چالش در شماری از مسائل کتاب الخلاف نیز مشاهده می‌شود؛^۳ بنابراین اتخاذ رویکردی علمی در مواجهه با این چالش و داشتن الگویی روشمند و توجیه‌پذیر در حل آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در مواجهه با این چالش ممکن است ادعا شود نیازی به الگوی روشمند و علمی برای بازیابی اجتهادی مستندات حدیثی الخلاف نیست و با راهکارهای ساده ذیل این چالش حل‌شدنی است:

الف) مراجعه به ابواب حدیثی مرتبط با مسئله در تهذیب الأحکام و الاستبصار شیخ طوسی؛ زیرا شیخ بارها در الخلاف به این دو کتاب برای مشاهده احادیث امامیه در مسائل ارجاع داده است.

ب) در شروح، تعلیقه‌ها و چاپ‌های منقح و محقق الخلاف، این احادیث تخریج و بازیابی شده‌اند؛ از این رو اصل نیاز به بازیابی اجتهادی مستندات حدیثی الخلاف منتفی است.

۱. همان، ص ۱۲۴-۱۲۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۲۶، ص ۱۲۷، ص ۱۲۸، ص ۱۲۹، ص ۱۳۲، ص ۲۳۲، ص ۲۵۲، ص ۳۳۹.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۵۰، ص ۲۵۶، ص ۳۵۹، ص ۴۲۷، ص ۴۳۷، ص ۵۲۳، ص ۵۴۴، ص ۶۱۰؛ ج ۲، ص ۳۱، ص ۸۱، ص ۱۱۸، ص ۱۵۵، ص ۱۷۹، ص ۲۱۸، ص ۲۲۲، ص ۲۵۳، ص ۲۷۱؛ ج ۳، ص ۲۰، ص ۴۶، ص ۶۶-۶۷، ص ۱۱۲، ص ۵۶۵-۵۶۶؛ ج ۴، ص ۵، ص ۱۲، ص ۱۶، ص ۱۹، ص ۲۲، ص ۲۳، ص ۲۶، ص ۲۷؛ ج ۵، ص ۱۳، ص ۱۴، ص ۲۰، ص ۲۹، ص ۳۰، ص ۳۶؛ ج ۶، ص ۶، ص ۹، ص ۱۹، ص ۲۳، ص ۲۹، ص ۴۵، ص ۴۸، ص ۴۱۳.

این مهم انکارناپذیر است که اگر این چالش به مدد این راهکار رفع‌شدنی باشد، دیگر اصل نیاز به بازایی اجتهادی منتفی خواهد بود؛ اما سخن در شمول و کارآمدی فراگیر این راهکار و اعتبار پیش‌فرض‌های آن است. مهم‌ترین مناقشات در نقد این راهکار عبارت‌اند از:

اول: شیخ طوسی در الخلاف احادیثی از امامیه را مبنای فتاوی خود قرار داده است که در منابع حدیثی پیشین امامیه وجود ندارد^۱ و در کتاب‌های حدیثی دیگر شیخ طوسی - تهذیب و الاستبصار - نیز گزارش نشده‌اند؛ بنابراین راهکار ارجاع به این دو کتاب سودمند نخواهد بود؛ زیرا به دلیل تألیف پیش از الخلاف، امکان درج آنها در این کتاب‌ها وجود نداشت؛ مستدرکی بر این دو کتاب نیز از سوی شیخ طوسی تدوین نشده است یا در صورت تدوین به دست ما نرسیده است. احتمال دارد مصداق «واخبارهم» از این‌گونه احادیث باشد؛ از این رو راهکار مدنظر در بازایی این قسم از مستندات حدیثی الخلاف کارآمد نخواهد بود.

دوم: پیش‌فرض این راهکار مخدوش است؛ زیرا بر این پنداره استوار است که میان آرای شیخ طوسی در الخلاف با دیگر آثار فقهی و حدیثی ایشان اختلاف نظر و تفاوت فتوا وجود ندارد.^۲ این پیش‌فرض نیازمند اثبات این مدعا و پاسخ به نمونه‌های نقض آن است؛^۳ محتمل است که تعبیر «واخبارهم» در الخلاف از جمله موارد اختلاف فتوای شیخ در آثار فقهی - حدیثی ایشان باشد که در کتاب‌های پیش از الخلاف به دیدگاهی دیگر قائل است و اساساً این احادیث را در آنها گزارش نکرده است.

سوم: آیا این راهکار در همه مصداق این چالش در کتاب الخلاف کارآمد است؟ در نمونه‌هایی که این راهکار پاسخگو نبود، راهکار جایگزین کدام است؟

چهارم: آیا این راهکار ساده در حل چالش مسئله هجدهم الخلاف کارآمد است؟ گفتنی است مسئله هجدهم الخلاف از جمله مسائل «کتاب الحدود» این اثر سترگ است.

۱. حرعاملی، وسائل الشیعه (آل‌البیت) ج ۳، ص ۱۰۶، ص ۱۲۸، ص ۲۰۵؛ ج ۴، ص ۴۲۴؛ ج ۷، ص ۴۹۷؛ ج ۹، ص ۳۳۲؛ ج ۱۱، ص ۷۴؛ ج ۱۸، ص ۴۲۴؛ ج ۲۰، ص ۲۲۵؛ ج ۲۹، ص ۴۷؛ نوری، مستدرک وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۵؛ ج ۱۳، ص ۳۷۸؛ ج ۱۶، ص ۱۰۵، ص ۱۰۷، ص ۱۱۲، ص ۱۱۴.

۲. اختلاف نظر شیخ در تهذیب الأحکام با الخلاف را بنگرید: علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۲۰.

۳. نک: محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۳، ص ۶۳۳، ۶۴۹-۶۵۰؛ ج ۴، ص ۸۴۲، ص ۱۰۰۱، ص ۱۰۱۱، ص ۱۰۵۳.

«کتاب الحدود» الخلاف بین «کتاب المرتد»^۱ و «کتاب السرقة»^۲ قرار دارد. ساختار این بخش از کتاب الخلاف همانند ساختار دیگر بخش های این اثر مسئله محور است و شیخ طوسی همانند رویه جاری نزد فقیهان روزگار خود از الگوی سه گانه «مسئله - پاسخ - دلیل» بهره مند است؛ ولی انسجام و ترتیب خاصی میان این مسائل مدنظر نیست.

ساختار کلی و درونی الخلاف، ۸۲ کتاب و ۴۱۰۰ مسئله را دربر می گیرد؛ بنابراین گستردگی و جامع بودن نسبی این اثر در مسائل فقهی در اولویت شیخ طوسی بوده است و باب بندی درونی - تبویب فقی - عنوان گذاری برای هر مسئله، رعایت ترتیب و انسجام میان مسائل هر کتاب برای وی از اولویت برخوردار نبوده است، البته این ادبیات و سبک پیش از شیخ طوسی در تألیف آثار مشابه الخلاف نیز رایج بوده است. آنچه برای شیخ طوسی در الخلاف اهمیت ویژه و راهبردی دارد، پرداختن به دیدگاه امامیه در مسائل فقهی شناخته شده میان فقیهان مذاهب فقهی دیگر است؛ بنابراین روش و غرض شیخ طوسی از تألیف این کتاب با آثار دیگر وی تفاوت ماهوی و رویکردی دارد که راهکار مذکور باید به آن توجه داشته باشد.

ساختار کتاب تهذیب الأحکام، مسئله محور نیست، بلکه در مقام شرح المقنعة شیخ مفید است. «کتاب الحدود» تهذیب الأحکام در ۱۵۰ صفحه دارای ده باب است که نخستین آن به «حدود الزنا» اختصاص دارد که بدون هیچ باب بندی جزئی و عنوان گذاری فقط به گزارش احادیث ۱۹۱ مرتبط به باب اهتمام ورزیده است. گفتنی است مسئله باب هجدهم عنوان مستقلى در تهذیب الاحکام ندارد؛ از این رو یافتن مستندات حدیثی فتوای شیخ در این مسئله حداقل مستلزم مطالعه دقیق و صرف زمان برای مرور این تعداد از احادیث «کتاب الحدود» تهذیب الأحکام است، البته به شرطی که مستند مدنظر شیخ طوسی در مسئله هجدهم در این کتاب گزارش شده باشد. ترتیب «کتاب الحدود» تهذیب الأحکام با الخلاف یکسان نیست؛ زیرا کتاب بعدی آن «کتاب الدیات»^۳ و کتاب قبلی آن «کتاب الفرائض و الموارث»^۴ در جزء پیشین این اثر است؛ از این رو از ساختار مشترکی با الخلاف برخوردار نیست.

۱. طوسی، الخلاف، ج ۵، ص ۳۵۱.

۲. همان، ص ۴۱۱.

۳. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۱۵۵.

۴. همان، ج ۹، ص ۲۴۷.

پنجم: در پژوهش اجتهادی هرچند دستاوردهای پژوهشگران دیگر ارزشمند است، از حجیت برخوردار نیست؛ بنابراین نتایج تخریج مستندات حدیثی الخلاف در شروح، تعلیقات و چاپ‌های تحقیقی این کتاب نیازمند بازپژوهی است و چه بسا پژوهشگر به نتایج متفاوتی از آنها برسد؛ زیرا احتمال تفاوت الگوی های بازایی در معیارها و فرایند بازایی همواره وجود دارد و انحصار پژوهش به یک نتیجه یا الگوی کهن و سنتی در مطالعات حدیثی مدرن و معاصر پذیرفته نیست و با نوآوری در تضاد است و انسداد در فرایند تحقیق را به دنبال دارد.

راهکار پیش‌گفته چندان از سهولت و بساطت برخوردار نیست؛ بنابراین از اتخاذ رویکردی روشمند و تحقیقی در بازایی مستندات حدیثی مدنظر شیخ طوسی با تعبیر «و اخبارهم» در کتاب الخلاف گزیری نیست.

در یک نگاه کلان در حل این چالش با دو رهیافت مواجه هستیم: رهیافت امتناع و رهیافت امکان. بر اساس رهیافت امتناع، امروزه بازایی احادیث مدنظر شیخ طوسی برای ما میسر نیست و حتی ضرورتی نیز ندارد؛ زیرا کتاب الخلاف در بخش ادله حدیثی فتاوی مذهب امامیه به مثابه کتاب حدیثی است و شیخ در این مقام در کسوت محدث امامی ظاهر شده است. حال اگر شیخ طوسی در مسائل الخلاف به عبارت کلی اخبار امامیه اشاره کند، حتی اگر در جوامع حدیثی پیش و بعد از شیخ طوسی نیز وجود نداشته باشد، با عبارت فتاوی شیخ باید به مثابه حدیث برخورد نمود و آن را کاشف از متون احادیث دانست. امامیه احادیثی در این مسئله داشته است که شیخ طوسی نیز به آنها دسترسی داشته است و صحت صدورشان نزد وی محرز بوده است. روشن است که مدعی این فرضیه مناقشه‌پذیر است و فقط با رویکرد تقلیدی در مطالعات فقهی-حدیثی سازگاری دارد؛ زیرا بر اساس اصول اجتهاد نظر و رأی فقیهان بر یکدیگر الزام‌آور نیست و صدور فتوا بدون احراز اصالت و اعتبار حدیث برخلاف اخلاق فقه و موازین علمی است. در رهیافت امکان، بازایی مستندات حدیث شیخ طوسی در شرح و نقد کتاب الخلاف ضرورت دارد و در تبیین و دفاع از نظریه فقهی شیخ طوسی در الخلاف کارآمد است؛ همچنین آگاهی از این احادیث، پیش شرط استناد به کتاب الخلاف به مثابه کتاب حدیثی-فقهی برای فقیهان است. دستاورد رهیافت امکان، روی آوردن به بازایی اجتهادی مستندات و حجیت‌نداشتن و الزام‌آوردن بازایی تقلیدی استوار بر دستاوردهای دیگران است.

۲. بازیابی اجتهادی؛ مفهوم، اصول و فرایند

«بازیابی» اصطلاحی شناخته شده در گفتمان حدیث پژوهی مسلمانان است و در سه گانه دانش های تخریج حدیث، فقه الحدیث و احیای میراث مفقود حدیثی کاربرد دارد. در پژوهش های حدیثی موضوع محور در دانش فقه الحدیث، بازیابی در استخراج احادیث هم مضمون در تشکیل خانواده حدیث و تبیین روابط معنایی و تفسیری شبکه مفهومی احادیث کارآمد است. محققان بازسازی کتب حدیثی مفقود کهن از بازیابی در احیای این آثار بهره مند هستند و احادیث را از مصادر پراکنده و کهن استخراج و در قالب کتاب حدیثی جدید عرضه می کنند. از گذشته تا کنون در دانش تخریج حدیث نیز بازیابی در تحقیق جوامع حدیثی کوچک و بزرگ برای استخراج متون حدیثی مشابه با اسانید مختلف از منابع متعدد، کهن و اصیل نقش آفرین است. در هر کدام از سه رویکرد پژوهشی فوق، بازیابی حدیث سازوکار و فرایند خاص خود را دارد؛ ولی در یک پیش فرض با یکدیگر اشتراک دارند: دسترسی پژوهشگر به متن حدیثی مبنا یا اطلاعات نزدیک آن. بدون این پیش فرض، هیچ کدام از این دانش های سه گانه را توان آن نیست که حدیث موضوع بحث خود را بازیابی و استخراج فنی نماید؛ به عبارت دیگر بدون این پیش فرض، شروع پژوهش از مجهول تام خواهد بود که از نگاه فلسفه پژوهش انجام آن محال است.

۲۵۰

آینه پژوهش | ۲۱۰
سال ۳۵ | شماره ۶
بهمن و اسفند ۱۴۰۳

تعریف معیار ما از بازیابی اجتهادی حدیث در این پژوهش عبارت است از: «استخراج متون و مصادر مستندات حدیثی - فتوای شیخ طوسی در مسئله هجدهم کتاب الخلاف به مثابه نمونه آزمونی - بر پایه فرایند و روش علمی؛ به گونه ای که نتیجه آن توجیه پذیر و قابل دفاع منطقی و از اقناع علمی برخوردار باشد، صحت و دقت نظریه مستخرج از مستندات حدیثی - فتوای شیخ طوسی برای نمونه - را تأیید نماید یا ضعف های احتمالی آن را نشان دهد».

بازیابی حدیث در این پژوهش با وجود اشتراک در غرض و تا حدودی شیوه های بازیابی در دانش های سه گانه فوق در پیش فرض، فرایند، سنجه ها، با آنها تفاوت دارد. این بخش از مقاله به تبیین مبادی و مسائل نظری بازیابی اجتهادی حدیث به معنای خاص آن در این پژوهش اختصاص دارد.

۱-۲. پیش شرط بازیابی اجتهادی

بازیابی اجتهادی حدیث بر این پیش فرض بنا شده است که فقیه به مفاد یا متن مستندات احادیثی فتوای خود هیچ اشاره‌ای نکند، بلکه به عنوان کلی و مبهم اخبار یا احادیث در مقام بیان ادله فتوای خود بسنده می‌نماید، به وجود این احادیث در جوامع حدیثی امامیه تصریح می‌کند، شخص فقیه به این احادیث دسترسی دارد و حکم مسئله را از مفاد آنها استنباط کرده است. عطف به دامنه اصلی این پژوهش، پیش شرط‌های بازیابی اجتهادی مستندات حدیثی مسئله هجدهم کتاب الخلاف برای نمونه آزمون بازیابی اجتهادی عبارت‌اند از:

- الف) اشاره نکردن شیخ طوسی به معنا، مفاد و مفهوم حدیث در متن فتوای مسئله هجدهم؛
- ب) بسنده کردن شیخ طوسی به عنوان کلی و مبهم «اخبارهم: احادیث امامیه»؛
- ج) نبود هرگونه قرینه در متن فتوای شیخ طوسی در ارجاع به الفاظ یا مصدر احادیث؛
- د) شهادت علمی شیخ طوسی به وجود اصل مستندات حدیثی در جوامع حدیثی امامیه؛
- ه) انتفای احتمال از بین رفتن یا مفقود شدن احادیث مدنظر شیخ طوسی در آثار امامیه؛
- و) ضعف یا ناکارآمدی بازیابی‌های نشریافته از مستندات حدیثی کتاب الخلاف.

۲-۲. شیوه‌های بازیابی حدیث

بازیابی حدیث به دو شیوه لفظی و مفهومی انجام پذیر است که در ادامه به این دو شیوه اشاره می‌شود.

۱-۲-۲. بازیابی لفظی - واژه محور

بازیابی لفظی درباره متونی امکان پذیر است که بخشی از مستند حدیثی در کتاب ذکر شده است. پژوهشگر لفظ یا الفاظ مشابه و نزدیک به آن را با جستجوی دستی، رایانه‌ای و ترکیبی از مصادر حدیثی استخراج می‌کند. این شیوه در این پژوهش چندان کارآمد نیست؛ زیرا در متن فتوای شیخ طوسی هیچ اشاره‌ای به متن حدیث نشده است، ولی می‌توان از الفاظ و عبارات مسئله تا حدودی در بازیابی بهره جست.

۲-۲-۲. بازیابی مفهومی - محتوایی

پژوهشگر در بازیابی مفهومی، با استمداد از نتایج تحلیل محتوا و مضمون «مسئله - فتوا»، پس از طی کردن فرایندی از مفهوم مسئله تا متن حدیث، به مستندات حدیثی حدس علمی می‌زند. پژوهشگر در این شیوه به ترتیب گام‌های ذیل را برمی‌دارد:

الف) تفسیر مسئله از ساختار تا تمایز

- تجزیه ساختار، ابعاد و اجزای مسئله به عناصر کوچک و مستقل؛
- استخراج شبکه الفاظ و اصطلاحات تخصصی مسئله؛
- تحلیل مضامین اصلی هر یک از اجزای مسئله با تأکید بر مؤلفه‌های اصلی آن؛
- پیشینه‌یابی مسئله در منابع پیشین، گونه‌بندی و مقایسه نمونه‌ها با یکدیگر؛
- تعیین نوع مسئله از رویدادهای واقعی تا تفریعات فقه تقدیری؛
- تاریخ‌گذاری تقریبی مسئله با تأکید بر زمان، محیط و شرایط تاریخی رویداد آن؛
- تبیین شاخصه‌های متمایزکننده مسئله از مسئله‌های مشابه.

ب) تفسیر فتوا از الفاظ تا رویکرد

- شناخت ساختار و مسائل زبانی - ادبی فتوا و دلایل آن؛
- شرح الفاظ و مفاهیم فتوا با هدف کشف واژگان کلیدی و اصطلاحات بنیادین آن؛
- نشانه‌شناسی فتوا و دلایل آن از طریق کشف دلالت‌های آشکار و پنهان آن؛
- به‌دست آوردن رویکرد فقهی فقیه از نص‌پسندگی، عقل‌گرایی تا مقاصدگرایی؛
- روش‌شناسی استنباط فقیه و جایگاه حدیث در نظام فقه‌ت و؛
- سنجش نسبت فتوا با هر یک از ادله آن و میزان اثرگذاری هر کدام در فتوا.

ج) به‌دست آوردن اصطلاحات تخصصی

- استخراج اصطلاحات تخصصی مسئله، فتوا و ادله از نتایج مراحل پیشین؛
- طبقه‌بندی اصطلاحات تخصصی بر اساس اهمیت، تکرار و کارکرد؛
- تعیین اصطلاحات اصلی مسئله و فتوا و معادل‌های مشابه و مترادف آن.

د) بازیابی متون

- تعیین منابع مرجع بازیابی با اولویت کتاب‌های مؤلف، مشایخ و مآخذ حدیثی مذهب مؤلف؛

- طبقه‌بندی منابع حدیثی با معیار تناسب، اهمیت، جامعیت و میزان ارتباط با مسئله و فتوا؛
- جستجوی ترکیبی، رایانه‌ای و دستی اصطلاحات، الفاظ و عبارات مسئله یا فتوا در منابع حدیثی منتخب؛
- تحلیل متون و مضامین نتایج جستجو و اولویت‌بندی آنها؛
- مراجعه به ابواب اصلی نتایج جستجو در منابع حدیثی و بازخوانی ابواب از آغاز تا فرجام؛
- به‌دست آوردن اولیه متون حدیثی متناسب با مسئله و فتوا؛
- بازسنجی فرایند بازیابی از آغاز تا فرجام با رویکرد انتقادی و چشم‌پوشی نکردن از رخنه و آسیب‌ها؛
- انتخاب متن حدیثی معیار برای سنجش تناسب محتوایی با مسئله و فتوا.

هـ) حدس علمی مستند حدیثی

- سنجش علمی دلالت‌های تطابقی، تضمینی و التزامی متن معیار بر فتوای فقیه در مسئله؛
- حدس اولیه مستند حدیثی فقیه در مسئله و گریز از جزم‌گرایی و قطعیت در انتساب؛
- عرضه حدس اولیه به نظریه‌های رقیب برای نقد اصالت، صحت و اعتبار مستند منتخب؛
- غنی‌سازی، تصحیح و تعمیق حدس علمی با پاسخ به نقدها و مناقشات احتمالی مستند منتخب؛
- تقریر و اعلان حدس نهایی مستند منتخب در قالب فرضیه علمی.

۳. تفسیر مسئله

این جستار به تفسیر فقرات متن مسئله هجدهم کتاب الخلاف شیخ طوسی اختصاص دارد.

۱-۳. متن مسئله

متن مسئله هجدهم کتاب الخلاف چنین است:

«مسئله ۱۸: المريض المأیوس منه إذا زنا وهو بكر، أخذ عذق فيه مائة شمراخ، أو مائة عود يشد بعضه إلى بعض ويضرب به ضربة واحدة، على وجه لا يؤدي إلى التلف. وقال أبوحنيفة: يضرب مجتمعا أو متفرقا ضربا مؤلما. وقال مالك: يضرب بالسياط مجتمعا ضربا مؤلما. وقال الشافعي: يضرب مائة بأطراف الثياب والنعال ضربا لا يؤلم ألما شديدا. دليلنا: إجماع الفرقة وأخبارهم وأيضا قوله تعالى: "وخذ بيدك ضغثا

فاضرب به ولا تحنث" وهذه قصة لأيوب عليه السلام معروفة. وروي: أن مقعدا أقر عند النبي بالزنا، فأمر أن يضرب مائة بأثكال النخل»^۱.

۲-۳. تفسیر مسئله

این جستار به تفسیر ساختار، محتوا و تحلیل مضامین پایه مسئله اختصاص دارد. پیش فرض این جستار چنین است که متن مسئله بر اساس اصول محاوره و خطاب و با دقت علمی و زبان شناسانه از سوی نویسنده تألیف شده است و نتایج معناشناسی و تفسیری آن بر نویسنده الزام آور و قابل استناد به وی است. مسئله مهم، توجه به دلالت های معنایی و مفهومی کلیت هر بخش از متن و نیز توجه ویژه به لوازم عقلی و عرفی معانی متن و کارکردهای معناشناسی قیود و اوصاف مندرج در متن است که در بازیابی اجتهادی مستندات حدیثی مسئله اهمیت اساسی دارد و از خطای در تشخیص و تطبیق بر موارد مشابه جلوگیری می کند.

۱-۲-۳. ساختارشناسی مسئله

بر اساس شاخصه تمایز، موضوع ساختار کلی متن مسئله به چهار بخش تفکیک پذیر است؛ هر یک از بخش های چهارگانه از اجزای درونی تشکیل شده اند که در تفسیر هر بخش به آنها خواهیم پرداخت.

الف) فرض یا عنوان مسئله؛

ب) حکم مسئله در دیدگاه مذاهب فقهی؛

ج) دلایل فقه امامیه؛

د) دلیل حدیثی فقه عامه.

۱-۲-۳. فرض یا عنوان مسئله

یکم: جمله «المريض المأیوس منه اذا زنا و هو بكر» در مقام تقریر و ترسیم فرض مسئله و عنوان سازی برای آن است. بر اساس مفاد عنوان، فرض مسئله هجدهم درباره مرد مجرد بیماری است که بر اثر ابتلای به بیماری، به دلالت ظواهر حالات جسمی وی، پزشکان،

۱. طوسی، الخلاف، ج ۵، ص ۳۷۹-۳۸۰.

عرف مردم، حسب عادت و تجربه موارد مشابه از بازگشت سلامتی وی و تداوم حیاتش قطع امید کنند و احتمال قوی بدهند بر اثر این بیماری به زودی از دنیا خواهد رفت و دوباره به حالت سابق سلامتی و نشاط برنخواهد گشت.

دوم: مقصود از «المريض»، حالت ثانویه عارض بر سلامت جسمی انسان است که بر اثر ابتلای به آن امنیت جسم مختل می شود؛ ولی شخص بر اثر بیماری به مرحله اختلال روحی و روانی نمی رسد و در برابر مهار و کنترل اعضای خود و نیز رفتارها و اقدامات خود - از جمله رفتارهای جنسی خود - مسئولیت انسانی، اخلاقی و قانونی دارد و با اراده آزاد قانون شکنی می کند؛ با این وجود چنین بیماری، عمل نامشروع زنا را مرتکب شده است.

سوم: «المريض ...» از حیث نوع بیماری جسمی اطلاق دارد و همه گونه های بیماری شناخته شده را دربر می گیرد که بر اثر دلایل شناخته محیطی و بهداشتی یا علت ناشناخته بر جسم سالم شخص عارض می شود؛ بنابراین به شخصی که با کاستی های در عملکرد اعضای بدن خود از مادر متولد شده باشد، عنوان «المريض» اطلاق نمی شود. در عنوان مسئله نیز این حالت اخیر مقصود نیست؛ زیرا از ظهور عنوان مسئله این مهم استنباط می شود که مقصود از «المريض» بیماری حدوثی و عرضی بر سلامت فرد است و شخص پیش از حدوث بیماری در سلامت بوده است؛ ولی در بیمار مادرزاد چنین نیست و فرد حالت سابق سلامت را ندارد.

چهارم: قید «المأیوس منه» به شدت و اوج دوره بیماری دلالت دارد؛ بیماری در صورت درمان نشدن، درمان ناپذیری و مرور زمان سلامت، حیات و بقای بیمار را تهدید می کند. «المأیوس منه» ظهور در این معنا دارد که مقصود از ناامیدی و قطع امید از بیمار، قوت احتمال مرگ وی بر اثر شدت بیماری است و مقصود ناامیدی از تأخیر در حصول سلامتی بیمار نیست؛ زیرا در متن نشانه ای دال بر این معنا وجود ندارد و «المأیوس منه» به بیش از معنای مذکور دلالتی ندارد.

پنجم: «اذا زنا» دلالت بر این مهم دارد که مرد بیمار در حال بیماری خود زنا را مرتکب شده است و زنای او با شواهد و ادله شرعی برای قاضی احراز و اثبات شده است و حاکم شرع مصلحت را در اجرای حد تشخیص بدهد؛ زیرا بر اثر مرگ بیمار، اجرای حد بر وی منتفی خواهد شد. ممکن است این بیمار عمل زنا را در زمان اوج و شدت بیماری

یا آغاز دوره بیماری مرتکب شده باشد و اکنون در مرحله اجرای حد زنا به شدت خود رسیده است؛ دلیل این احتمال دوگانه، اطلاق عبارت شیخ طوسی در عنوان مسئله است. حسب عادت و موارد مشابه احتمال دوم اقوی است.

ششم: جمله «وهو بکر» در عنوان مسئله، به شرط نداشتن همسر شرعی - دسترسی نداشتن به همسر شرعی - برای مرد زناکار بیمار اشاره دارد و بیان کننده وصف حال زناکار بیمار حین ارتکاب عمل زناست که بدون همسر بوده است. به مردی که زنی در قید نکاح دائم وی نباشد یا جوانی که با هیچ زنی رابطه جنسی نداشته باشد، بکر گویند. اصطلاح بکر در حدیث «والبکر بالبکر جلد مائة و نفی سنة»^۱ به کار رفته است و مجازات چنین افراد زناکار - سالم - را صد ضربه شلاق متعارف و یکسال تبعید بیان کرده اند. در ادبیات فقهی به چنین مردی، غیرمحصن گویند که دسترسی به همسرش برای ارضای جنسی ندارد.^۲ در آیاتی از قرآن احصان - پاکدامنی جنسی - از اوصاف مردان و زنان مؤمن بیان شده است.^۳ محصن در فقه اسلامی به نداشتن تمکن بر رابطه جنسی با همسر شرعی اطلاق می شود، حتی اگر شخص متأهل هم باشد؛ ولی اگر تمتع جنسی از زن دائمی برای مرد به دلایل غیر از اراده مرد فراهم نباشد، حکم رجم به شلاق تنزل می یابد.^۴

هفتم: متن مسئله درباره ویژگی های زانیه - زن مورد تعرض جنسی از سوی مرد بیمار زناکار -، تأهل یا تجرد، اکراه یا رغبت وی به زنا و حکم او در این رابطه نامشروع ساکت است و متن ظهوری درباره آن ندارد. ظاهر جملات مسئله به ویژه مفهوم قیود آن حصر و اختصاص مسئله به مرد زناکار بیمار را دارد؛ بنابراین تعمیم آن به زن زناکار بیمار با اوصاف مشترک با مرد زناکار نیازمند دلایل فرامتنی و الغای خصوصیت از جنسیت و اوصاف زناکار در فرض مسئله است که در این صورت به دو طرف رابطه جنسی نامشروع تعمیم پذیر است؛ اما احراز اوصافی چون اکراه و رغبت زانیه با دلیل عقلی و قاعده الغای خصوصیت میسر نیست و نیازمند شواهد نقلی یا تقسیم عقلی مسئله به دو فرض اکراه و عدم اکراه است که از شمول مسئله خارج است.

۱. ابن حنبل، المسند، ج ۳، ص ۴۷۶.

۲. مفید، احکام النساء، ص ۵۴.

۳. نساء: ۲۴-۲۵.

۴. مفید، المقنعه، ص ۷۷۵-۷۷۶.

۲-۱-۲-۳. حکم مسئله در دیدگاه مذاهب فقهی

یکم: ساختار درونی این بخش از دو جزء تشکیل شده است:

الف) جمله «أخذ عذق فيه مائة شمراخ، أو مائة عود يشد بعضه إلى بعض، أو مائة عود يشد بعضه إلى بعض ويضرب به ضربة واحدة، على وجه لا يؤدي إلى التلف» که بیان‌کننده حکم مسئله در فقه امامیه است.

ب) عبارت «وقال أبوحنيفة: يضرب مجتمعا أو متفرقا ضربا مؤلما. وقال مالك: يضرب بالسياط مجتمعا ضربا مؤلما. وقال الشافعي: يضرب مائة بأطراف الثياب والنعال ضربا لا يؤلم ألما شديدا» که دربردارنده احکام مسئله در فقه حنفی، مالکی و شافعی است.

دوم: جمله «أخذ عذق فيه مائة شمراخ، أو مائة عود يشد بعضه إلى بعض» در مقام بیان ابزار اجرای حد زنا بر زناکار بیمار موصوف در عنوان مسئله است. می‌دانیم که ابزار شناخته شده برای حد زنا در فقه اسلامی، شلاق - تازیانه است که در مورد زناکاران سالم - غیربیمار - از آن استفاده می‌شود و با کیفیتی ویژه بر اندام زناکار - به استثنای برخی از مواضع خاص - نواخته می‌شود؛ ولی شیخ طوسی معتقد است ابزار اجرای حد زنا برای زناکاران بیمار، متفاوت است و برای این دسته از زناکاران باید از ترکیه متشکل از شاخه درختان استفاده کرد. بنابراین صدر جمله جزء اول این بخش بر تفاوت و تمایز ابزارهای اجرای حد زنا برای زناکاران بیمار و سالم دلالت دارد که البته شافعی و مالک در نوع ابزار با دیدگاه شیخ طوسی هم نظر نیستند.

سوم: در متن فتوای شیخ طوسی مقصود از عذق،^۱ هر شاخه‌ای از درختان است که شاخه‌های کوچک‌تر داشته باشد؛^۲ همچنین اگر عذق مقصود باشد، درخت خرما را گویند که شاخه‌های آن به رشد رسیده است.^۳ شمراخ نیز جمع مکسر شمروخ و مقصود از آن شاخه‌های ریز و نازکی است که از ساقه اصلی شاخه جدا می‌شوند و میوه درخت

۱. این واژه یک بن معنایی دارد: امتداد داشتن هر چیزی و درهم آمیختگی اجزای آن با یکدیگر (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۲۵۷).

۲. فراهیدی، العین، ج ۱، ص ۱۴۸.

۳. ابن سلام، غریب الحديث، ج ۴، ص ۱۹۴؛ حربی، غریب الحديث، ج ۲، ص ۴۳۸.

خرما بر روی آن می‌روید.^۱ مراد از عود در تعبیر «مائة عود» نیز چوبی را گویند که غالباً از آن برای زدن دیگری^۲ به قصد تنبیه استفاده می‌کنند و چندان درشت و قطور نیست و می‌توان تعدادی از آنها را در یک ترکه با طنابی بست؛ همان‌طور که جمله «یشد بعضه إلی بعض» در عبارت شیخ طوسی به این نکته اشاره دارد.

چهارم: دیدگاه تفسیری شیخ طوسی در تفسیر التبیان در معناشناسی واژه ضغث در آیه «وَأَخْذُ يَدِكَ ضِغْثًا فَاصْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُتْ» همسو با مقصود وی از تعبیر «عذق فيه مائة شمرخ» و «مائة عود» است. شیخ طوسی ضغث در این آیه را به ترکه متشکل از چوب خشکیده یا شاخه درخت خرما تفسیر می‌کند: «أَخْذُ يَدِكَ ضِغْثًا فَاصْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُتْ» فالضغث ملء الكف من الحشيش أو الشماريخ و ما أشبه ذلك. قال عوف بن الجزع: وأسفل مني فهدة قدر بطنها * وألقيت ضغثا من حلا متطيب. أي تطيبت لها».^۳

پنجم: بر اساس مفاد جمله «ويضرب به ضربة واحدة، على وجه لا يؤدي إلى التلف» در دیدگاه شیخ طوسی، حد زناکار با اوصاف مذکور در فرض مسئله، یک بار کوبیدن بسته صدتایی از شاخه درخت خرما یا بسته صدتایی از چوب نازک بر بدن زناکار است، البته این ضربه نباید به هلاکت و تلف شدن جان زناکار بینجامد. شیخ طوسی با فتاوی ابوحنیفه و مالک در تأکید بر دردآور بودن ضربه ترکه صدتایی مخالفتی ندارد؛ ولی فتوای شیخ طوسی در میزان و شدت این درد مقید به عدم هلاکت شده است؛ بنابراین با فتوای شافعی در قید دردآور نبودن شدید همسویی دارد. البته روشن است طوسی و شافعی با درد حاصل از ضربه ترکه صدتایی مخالف نیستند؛ زیرا هدف از تشریع حد زنا، چشاندن درد بر زناکار است، هرچند زناکار مریض یا دارای نارسایی خاص در جسم باشد.

ششم: فتوای شیخ طوسی با دیدگاه شافعی در لزوم استفاده از شاخه درخت خرما یا شاخه‌های نازک درختان برای تهیه ترکه صدتایی تفاوت دارد؛ زیرا از عبارت شافعی چنین برمی‌آید که به این لزوم باورمند نیست، بلکه به جواز یا لزوم نواختن صد ضربه با گوشه‌های عبا و پاپوش باورمند است.

۱. فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۲۳۵؛ ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث، ج ۲، ص ۵۰۰.

۲. فراهیدی، العین، ج ۲، ص ۲۱۲؛ جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۵۱۵.

۳. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵۶۹-۵۶۸.

هفتم: در فتوای شیخ طوسی و شافعی به تازیانه اشاره نشده است؛ ولی فتوای مالک بن انس صریح در استفاده از تازیانه - سوط - دارد که به تازیانه غیر چوبی یا همان شلاق چرمین یا تافته شده از چرم و مشابه آن رایج در عرف قضایی مسلمانان روزگار مالک بن انس انصراف دارد و با ترکۀ شاخه درختان و گوشه عبا و پاپوش تطبیق پذیر نیست؛ فتوای ابوحنیفه نیز در این باره ساکت است.

هشتم: مالک و شیخ طوسی بر تجمیع ضربات تازیانه در یک ترکۀ صحتایی تأکید دارند؛ ولی ابوحنیفه میان تجمیع و تفریق قائل به تخییر است و فتوای شافعی نیز تفکیک ضربات است؛ زیرا امکان تجمیع گوشه‌های عبا و پاپوش در قالب ترکۀ صحتایی میسر و متعارف نیست.

نهم: دلیل اختلاف در ابزار و کیفیت اجرای حد بر زناکار بیمار به تفاوت رویکرد فقیهان در التزام به نصوص و سنت در ابزار اجرای حدود برمی‌گردد؛ نص‌گرایان به آنچه در سنت نبوی گزارش شده است، پایبند هستند و اهل رأی به عرف و سیره خلفا استناد می‌جویند؛ از این رو در این مسئله، طیفی از دیدگاه‌ها شامل ضغث - ترکۀ از شاخه درختان -، گوشه‌های عبا و پاپوش و تازیانه را شاهد هستیم با این تفاوت که مورد اخیر در سنت نبوی از شیوع برخوردار نیست و بر اساس برخی از گزارش‌ها توسط خلیفه دوم در رویه قضایی مسلمین تأسیس گردید. در سنت رسول خدا (ص) که منبع و عیار تفسیر آیات اجرای حدود است، نه تنها مفهوم فقهی از واژه سوط - تازیانه چرمین و ویژه اجرای حد - وجود ندارد، بلکه منابع حدیثی - فقهی تصریح دارند این معنا و مصداق از سوط از عصر خلیفه دوم در فقه رایج شده است. در سنت گزارش شده است رسول خدا (ص) فرد مجرم را با شاخۀ خرما، عصای دستی، گوشه عبا، نعلین، دست انسان یا هر آنچه به طور عادی با افراد همراه است، ضربه می‌زدند و به هیچ‌روی گزارشی از ضربه‌زدن با شلاق به مفهوم متأخر آن در فقه مذاهب به دست نیامد.^۱ بر اساس این احادیث، تغییر و تبدیل ابزار تأدیب مجرمان از نعلین به شلاق (سوط) در عصر خلیفه دوم انجام گرفت. نظر به اجتهادی بودن این تغییر از سوی خلیفه دوم، شماری از فقیهان

۱. صنعانی، المصنف، ج ۷، ص ۳۷۷-۳۷۸؛ بیهقی، السنن الکبری، ج ۸، ص ۳۱۸-۳۲۱؛ ابن‌ابی‌شیبۀ، المصنف، ج ۶، ص ۵۰۳-۵۰۵؛ سجستانی، سنن‌ابی‌داود، ج ۲، ص ۳۵۸.

اهل سنت همچنان تصریح به اعتبار و کفایت اجرای حد با ابزارهای رایج در عصر رسول خدا (ص) می‌کنند و مخالفت با آنان را نفی احادیث صحاح و مخالفت با سیره و سنت می‌دانند و اساساً اجرای حد با شلاق را محل اختلاف و مناقشه آرا می‌دانند. نووی از فقیهان شافعی ضمن دفاع از احادیث با جرئت تمام، پنداره شرط بودن شلاق (سوط) در اجرای حدود را مردود می‌داند؛^۱ همچنین ابن‌اثیر بر اساس حدیثی از عایشه تصریح می‌کند پیش از عثمان، ابزار اجرای حدود غیر از شلاق و حتی عصای چوبی بوده است و عثمان به دلیل قانونی کردن این سبک، عتاب شد.^۲

۳-۲-۱. دلایل فقه امامیه

یکم: ادله فتوای شیخ طوسی در تبدیل صد ضربه شلاق به یکبار نواختن ترکه صدتایی عبارت‌اند از: اجماع امامیه، احادیث امامیه در مسئله، مفاد آیه سوگند ایوب (ع). ترتیب ادله شیخ طوسی نشان می‌دهد دلیل اجماع نزد شیخ طوسی در این فتوا از اولویت برخوردار است. از تعبیر «إجماع الفرقه» روشن است که مقصود وی از اجماع، آرای فقیهان امامی نامدار است که در حکم این مسئله اختلاف نظری با یکدیگر ندارند و این اتفاق نظر به دلیل کاشف بودن از رأی معصوم حجت است؛ البته روشن است که اعتبار و کارکرد این دلیل درون مذهبی است و برای دیگر مذاهب الزام‌آور نیست و شیخ نیز در مقام تقریر دیدگاه امامیه است.

دوم: هرچند تعبیر «اخبارهم» به تنهایی در تعیین و دلالت بر حکم مسئله هجدهم ابهام دارد؛ ولی در پرتو دلایل دیگر و سیاق کلی مسئله و فتوای شیخ طوسی، دلالت‌های معنایی ذیل از آن کشف شدنی است:

- اشتها مسئله در سنت امامیه و موضع‌گیری در پاسخ به آن؛
- قطعی بودن وجود احادیث بیان حکم مسئله در میراث امامیه؛
- تعدد احادیث امامیه در بیان حکم مسئله؛^۳
- امامی بودن طریق و اسانید احادیث؛

۱. نووی، شرح صحیح مسلم، ج ۱۱، ص ۲۱۸-۲۱۹.

۲. ابن‌اثیر، النهاية فی غریب الحديث والأثر، ج ۳، ص ۸۰.

۳. جمع بودن واژه اخبار حداقل بر بیش از دو حدیث در حکم این مسئله دلالت دارد.

- دسترسی شیخ طوسی به احادیث دلالت‌کننده بر حکم مسئله؛
- واقعی و غیرتقیه‌ای بودن احادیث امامیه در بیان حکم مسئله؛
- محکم و نص بودن دلالت احادیث امامیه بر حکم مسئله؛
- تقدم احادیث در بیان حکم مسئله بر دلیل قرآنی^۱؛
- همسویی مفاد احادیث امامیه با قرآن و اجماع فقیهان امامی؛
- تفسیری بودن احادیث بر دلیل قرآنی مسئله؛
- شهرت مسئله در نخستین تفاسیر فقهی قرآن؛
- دلالت احادیث بر فتوای شیخ طوسی در حکم مسئله؛
- شناخته بودن احادیث در گفتمان فقیهان و محدثان امامی پیش از شیخ طوسی.

سوم: جمله «وَأَيْضًا قَوْلُهُ تَعَالَى: "وَاخْذُ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُثْ وَهَذِهِ قِصَّةُ أَيُّوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعْرُوفَةٌ» صریح در این معناست که آیه «وَاخْذُ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُثْ»^۲ دلیل قرآنی فتوای شیخ طوسی در حکم مسئله است. در تحلیل متن این دلیل، توجه به نکات ذیل ضروری است:

الف) در نگاشته‌های فقهی - تفسیری مسلمانان تعبیر «سوگند ایوب (ع)» وام‌گرفته از مفاد آیه «وَاخْذُ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُثْ» است. در بیشتر ترجمه‌های فارسی قرآن نیز همین تعبیر و معنا شایع است.^۳ این آیه بخشی از داستان «ایوب پیامبر» در سوره «ص» قرآن کریم است. بر اساس دیدگاه مشهور مفسران، حضرت ایوب (ع) در دوره بیماری، در قالب سوگندی خود را ملزم کرد که همسرش را با صد ضربه شلاق تأدیب نماید که در مقام اجرا به یک ترکه صدتایی تبدیل شد و آیه فوق به این داستان اشاره دارد. در تفاسیر فقهی از اقدام ایوب (ع) به «حلف» یا «یمین» یاد شده است و بررسی سبب «سوگند ایوب (ع)» از جمله مسائل تفسیری آیه است.^۴ عبارت «وَلَا تَحْنُثْ» به نقض نشدن مفاد این سوگند تأکید می‌کند و نیز به شیوه اجرای آن اشاره دارد.

۱. بر اساس این رویکرد که احادیث بر عکس قرآن مقطوع‌الصدور نیستند، ولی قطعی‌الدلالة هستند.

۲. ص: ۴۴.

۳. بنگرید ترجمه: محمدکاظم معزی، محمد مهدی فولادوند؛ عبدالحمید آیتی.

۴. ابن‌العربی، احکام القرآن، ج ۴، ص ۷۰-۷۲.

ب) استناد و استشهاد شیخ طوسی به آیه سوگند ایوب (ع)، بیان از این نکته است که میان مفاد آیه با موضوع مسئله هجدهم، تناسب و تجانس وجود دارد؛ زیرا شرط صحت در هر استدلال، تناسب دلیل با موضوع و مدعاست. شیخ طوسی به مفاد «فَاضْرِبْ بِهِ» در آیه نیز در دلالت تک ضرب بودن ترکه در حکم مسئله نظر دارد؛ بنابراین این آیه کارکردهای متنوع در حکم شیخ طوسی دارد و از آن با عنوان دلیل قرآنی حکم مسئله در بخش دلائل حکم در فقه امامیه استناد می‌جوید.^۱ به بیان دیگر، شیخ طوسی با استفاده از «قاعده تنظیر فقهی»، مفاد آیه سوگند ایوب (ع) را - با تفسیر مشهور و معروف از آن در چگونگی عمل ایوب (ع) به مفاد سوگند تأدیبی خویش - نظیر و همانند موضوع مسئله هجدهم می‌داند که در هر دو موضوع بنا رعایت مصلحت یا اقتضای دیگر مقاصد عالی شریعت اجرای حد شرعی به یک بار نواختن ترکه صدتایی از سوی شریعت تقلیل و تشریع یافته است. شیخ طوسی حکم مستنبط از آیه سوگند ایوب (ع) را به موارد مشابه آن چون حد زناکار مریض تعمیم و توسعه می‌دهد. این تعمیم از جایگاه آیه به عنوان یک اصل موضوعی در نظریه شیخ طوسی حکایت دارد و موضوع مسئله هجدهم فقط از باب مثال است و موضوعیت ندارد و در دیگر مواردی که این تشابه و تجانس برقرار باشد، استدلال به مفاد آیه سوگند ایوب (ع) صحیح بوده و در نظریه شیخ طوسی در مقام یک دلیل نقش‌آفرین است. پیش از شیخ طوسی، شافعی میان آیه سوگند ایوب (ع) و حدیث نبوی حد زنا مفلوج، به این همانی در حکم - تجانس و تنظیر - قائل بود (ادامه مقاله).

۲۶۲

آینه پژوهش | ۲۱۰
سال ۳۵ | شماره ۶
پهمن و اسفند ۱۴۰۳

ج) عبارت «وَأَيْضًا قَوْلُهُ تَعَالَى...» گویای اطمینان و اعتقاد شیخ طوسی به این تفسیر از مفاد آیه سوگند ایوب (ع) است؛ بنابراین آن را به خداوند اسناد می‌دهد. شیخ طوسی مفاد آیه «وَحُذِّ بِيَدِكَ ضِعْفًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُثْ» را در پیوند با داستان سوگند ایوب (ع) در تأدیب همسرش می‌داند؛ ولی به دلیل شهرت داستان و آگاهی مخاطبان فرهیخته کتابش، از بیان جزئیات آن خودداری و به جمله «وهذه قصة لأيوب عليه السلام معروفة» بسنده می‌کند. این تبیین شیخ طوسی از آیه سوگند ایوب (ع)، بنیاد قرآنی فتوای ایشان است. شیخ طوسی در مسئله هشتادونهم کتاب الخلاف، دلالت آیه «وَحُذِّ بِيَدِكَ ضِعْفًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُثْ» به جواز جایگزینی ترکه صدتایی به عنوان بدل از صد ضربه شلاق در سوگند مولا برای تأدیب عبدش از نوع دلالت نص می‌داند.^۲

۱. ابن شهر آشوب، متشابه القرآن ومختلفه، ج ۲، ص ۲۱۸.

۲. طوسی، الخلاف، ج ۶، ص ۱۷۵-۱۷۶.

د) در منابع عامه و شیعه پیش از شیخ طوسی، استناد به دلالت آیه سوگند ایوب (ع) در مسئله زنا، مریض غیرمحصنه به دست نیامد؛ ولی در برخی از منابع عامه به مفاد آیه در مسئله عمل به سوگند شرعی استدلال شده است.^۱ براین تحلیل منابع موجود نشان می‌دهد که شافعی در استدلال به این آیه در کفایت تجمیع ترک صدتایی در سوگندهای تأدیبی در فرض تردید در اصابت یا عدم اصابت تمامی تازیانه‌های ترکه، از دیگر فقیهان پیشرو است. سبک و گونه استدلال شافعی در کتاب احکام القرآن به اجتهادی بودن این دلیل در فرض مسئله دلالت دارد؛ زیرا ظاهر آیه در این معنا صریح نیست و شافعی از حدیث زنا، شخص مفلوج نیز تنقیح مناط می‌کند و آن را به مورد سوگندهای تأدیبی تعمیم داده است.

ه) در دیدگاه شافعی میان آیه سوگند ایوب (ع) و حدیث زنا، مفلوج، نوعی وحدت در حکم وجود دارد؛ بنابراین در استدلال خود این دو را به یکدیگر عطف می‌کند و در این عطف، آیه را بر سنت مقدم کرده است. توجه به این نکته مهم است که در گزارش‌های مختلف از روایت زنا، مفلوج، اجرای حد زنا بر شخص مفلوج - و تعابیر مقعد و مخدج در سایر گزارش‌ها که نسائی می‌کوشد گونه‌های مختلف روایات آن را گرد آورد - استشهاد یا استدلال به آیه سوگند ایوب (ع) وجود ندارد،^۲ بلکه در متن روایت معیار و بدون تقطیع از آن، علت اصلی تبدیل حد شرعی زنا به یک بار ضربه با ترک صدتایی شرایط خاص جسمانی زناکار بیان شده است و چون امکان اجرای حد شرعی اولیه میسر نبوده است،^۳ ناگزیر به ترک صدتایی بسنده شده است نه اینکه حکم اصلی و اولیه همین ترک صدتایی باشد. احادیث متعددی دلالت دارند که رسول خدا (ص) در آغاز به اجرای حد شرعی - صد ضربه شلاق - دستور دادند؛ ولی بعد از شنیدن شرایط حاد جسمانی زناکار، به یک بار ضربه با ترک صدتایی حکم نمودند.^۴

و) روشن است که میان فرض مسئله هجدهم با موضوع روایت زنا، مفلوج فوق تفاوت وجود دارد؛ زیرا میان دو عنوان و مفهوم زناکار مفلوج با زناکار بیمار رابطه تطابق برقرار

۱. شافعی، کتاب الأم، ج ۷، ص ۸۵؛ شافعی، احکام القرآن، ج ۲، ص ۱۱۸؛ صنعانی، المصنّف، ج ۸، ص ۵۲۰-۵۲۱.

۲. نسائی، السنن الکبری، ج ۴، ص ۳۱۱-۳۱۳.

۳. آسیب نقل به معنا در متون این روایت را، بنگرید: نسائی، السنن الکبری، ج ۴، ص ۳۱۱-۳۱۳.

۴. بیهقی، السنن الکبری، ج ۸، ص ۲۳۰؛ نووی، المجموع، ج ۲۰، ص ۴۰-۴۵.

نیست و رابطه میان این دو عموم و خصوص من وجه است؛ چراکه بر هر زناکار مفلوج، عنوان زناکار مریض صادق است، ولی عکس آن صادق نیست؛ بنابراین برخی از زناکاران مریض مفلوج هستند. از سوی دیگر قید «المأیوس منه»، مانع ادعای انطباق این دو عنوان است؛ زیرا در بیان علت حکم بر شدت بیماری درمان ناپذیر انصراف دارد و ویژگی‌های بدنی شخص مفلوج را دربر نمی‌گیرد.

۳-۲-۱-۴. دلیل حدیثی فقه عامه

الف) ظاهر مفاد جمله «وروي: أن مقعداً أقر عند النبي بالزنا، فأمر أن يضرب مائة بأثكال النخل» بر استقلال این جمله از بخش قبلی - دلایل امامیه - دلالت دارد. به نظر می‌رسد این جمله در مقام بیان دلیل برخی از فقیهان عامه در حکم مسئله است؛ بنابراین احتمال الحاق آن به ادله امامیه ضعیف است، هرچند مفاد آن - در ابزار اجرای حد - به فتوای شیخ طوسی نیز دلالت دارد. موضوع این جمله، روایت مرد مفلوجی است که نزد پیامبر (ص) به زنا اقرار کرد و رسول خدا (ص) دستور داد با شاخه‌های درخت خرما صد ضربه بر وی نواخته شود.^۱

ب) داستان واقعه زنا یمرّد مفلوج در منابع فقهی قرن دوم تا چهارم عامه در ابواب کتاب الزنا همچون باب «ما جاء في الضرير من خلقته لا من مرض يصيب الحد»^۲ و «الضرير في الخلقة يصيب الحدود»^۳ و «تحليل الضرب»^۴ از ابواب «کتاب اليمين» گزارش شده است. برخی از مهم‌ترین گزارش‌های این واقعه چنین است:

اول: شافعی (۲۰۴ق) در «باب ما جاء في الضرير من خلقته لا من مرض يصيب الحد» از کتاب الام چنین روایت می‌کند: «أخبرنا الربيع قال: (قال الشافعي) رحمه الله: أخبرنا سفيان عن يحيى بن سعيد وأبي الزناد كلاهما عن أبي أمامة بن سهل بن حنيف أن رجلاً (قال أحدهما أحبن وقال الآخر مقعد) كان عند جوار سعد فأصاب امرأة حبل فرمته به فسئل فاعترف فأمر النبي صلى الله عليه وسلم به قال أحدهما جلد بأثكال النخل وقال

۲۶۴

آینه پژوهش | ۲۱۰
سال ۳۵ | شماره ۶
پهمن و اسفند ۱۴۰۳

۱. نک: صنعانی، المصنّف، ج ۸، ص ۵۲۰-۵۲۱؛ ابن مبارک، مسند ابن مبارک، ص ۷۴؛ بیهقی، السنن الکبری، ج ۸، ص ۲۳۰.

۲. شافعی، کتاب الأم، ج ۶، ص ۱۴۷-۱۴۸.

۳. نسائی، السنن الکبری، ج ۴، ص ۳۱۱.

۴. صنعانی، المصنّف، ج ۸، ص ۵۲۰-۵۲۱.

الآخر بأثكول النخل».^۱ سپس در تحلیل و استنباط خود از این حدیث می نویسد: «وبهذا نأخذ إذا كان الرجل مضموء الخلق قليل الاحتمال يرى أن ضربه بالسوط في الحد تلف في الظاهر ضرب بأثكال النخل...».^۲

دوم: صنعانی (۲۱۱ق) در باب «تحلیل الضرب» از کتاب المصنّف خود، احادیث دوم و سوم این باب را به گزارش داستان زناى مذکور در مسئله اختصاص داده است. متن احادیث چنین است: «عبدالرزاق عن معمر عن يحيى بن أبي كثير عن محمد بن عبد الرحمن أن رجلاً أصاب فاحشة على عهد رسول الله صلى الله عليه وسلم وهو مريض على سفر موت، فأخبر بعض أهله ما صنع، فجاء النبي صلى الله عليه وسلم فذكر ذلك له، فأخذ النبي صلى الله عليه وسلم - أو قال: أمر النبي صلى الله عليه وسلم - بقنوفه مئة شمراخ، فضرب به ضربة واحدة».^۳

«عبدالرزاق عن ابن عيينة عن يحيى بن سعيد وأبي الزناد عن أبي أمامة به سهل بن حنيف أن مقعداً عند حراء سعد زنى بامرأة، فاعترف، فأمر به النبي صلى الله عليه وسلم أن يجلد بأثكال النخل».^۴

سوم: نسائی (۳۰۳ق) در باب «الضرير في الخلقة يصيب الحدود وذكر اختلاف الناقلين لخبر أبي أمامة بن سهل فيه» از السنن الكبرى یازده گزارش از حدیث امامة بن سهل درباره زناى مردی مريض و دارای کاستی در اعضای بدنش روایت می کند؛^۵ البته پیش از گزارش آنها به اختلاف گزارش های راویان تذکر می دهد. نخستین روایت نسائی چنین است: «... عن أبي حازم عن سهل بن سعد أن رسول الله صلى الله عليه وسلم أتى برجل قد زنى فأمر به فجرد فإذا رجل مقعد فستل عن ذلك فاعترف قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما يبقني الضرب من هذا شيئاً فدعا بأثاكيل فيها مائة شمراخ فضربه بها ضربة واحدة اللفظ لمحمد».^۶

۱. شافعی، کتاب الأم، ج ۶، ص ۱۴۷.

۲. همان.

۳. صنعانی، المصنّف، ج ۸، ص ۵۲۰.

۴. همان.

۵. نسائی، السنن الكبرى، ج ۴، ص ۳۱۱-۳۱۴.

۶. همان، ص ۳۱۱.

تعدد اسانید و طرق حدیثی این داستان با تفاوت در متن‌ها، نشان‌دهنده شهرت و شیوع این داستان در منابع فقهی کهن است. بنابراین اصل مسئله پیش از شیخ طوسی نزد محدثان و فقیهان عامه شناخته شده است. محدثان و فقیهان عامه در کتاب‌های خود مستندات حکم چنین زناکاری را از آیات قرآن، احادیث و آرای فقیهان متقدم گزارش کرده‌اند و محور اصلی ادله فقیهان عامه، سیره رسول خدا (ص) در اجرای حد بر زناکار با اوصاف مذکور در مسئله است. شیخ طوسی در مسئله هجدهم کتاب الخلاف در مقام بیان دیدگاه امامیه در این مسئله مشهور و کهن در فقه عامه است که در پی یک واقعه تاریخی زناي مردی با نارسایی خاص جسمانی و در نهایت لاغری، پرس و جواز حکم آن از پیامبر اکرم (ص) به عمل آمد؛ جمله پایانی متن شیخ طوسی «وروي: أن مقعدا...» به مستند روایی این واقعه در منابع عامه اشاره دارد؛ هرچند مشابه مضمون آن البته با اندکی تفاوت در تعابیر در منابع امامیه نیز گزارش شده است (مقاله مستقل)، اما با تعابیر مدنظر شیخ طوسی در جوامع حدیثی امامیه چنین روایتی به دست نیامد؛ زیرا در متون امامیه از مرد زناکار با عنوان و اوصاف دیگری غیر از عنوان مذکور در گزارش شیخ طوسی یاد شده است.

۲۶۶

آینه پژوهش | ۲۱۰
سال ۳۵ | شماره ۶
بهمن و اسفند ۱۴۰۳

ج) همانند الفاظ این روایت در جوامع حدیثی امامیه به دست نیامد. کهن‌ترین تاریخ منبع آن کتب فقهی شافعی است^۱ و مضمون مشابه آن را دیگر محدثان عامه گزارش کرده‌اند.^۲ نظر به عامی بودن روایت، شیخ طوسی تعبیر «و روي» را برای گزارش به کار برده است تا به تمایز آن با اخبار امامیه تذکر داده باشد. شیخ طوسی با وجود عامی بودن این حدیث، مضمون آن را نظیر احادیث امامیه می‌داند؛ زیرا محتوای آن با احادیث امامیه یکسان است. مستندات حدیثی فتوای شیخ طوسی در مسئله هجدهم در شماره بعدی این مقاله در همین نشریه منتشر خواهد شد.

دست‌آورد

این پژوهش به منظور تبیین ابعاد نظری بازیابی اجتهادی مستندات حدیثی فقه استدلالی امامیه، مسئله هجدهم کتاب الخلاف شیخ طوسی را به عنوان آزمون نظریه بازیابی انتخاب کرد و در جستار نخست به تشریح مهم‌ترین مسائل نظری بازیابی

۱. شافعی، الممسند، ص ۳۶۲؛ همو، کتاب الأم، ج ۶، ص ۱۴۷-۱۴۸.

۲. نک: صنعانی، المصنّف، ج ۸، ص ۵۲۰-۵۲۱؛ ابن مبارک، مسند ابن مبارک، ص ۷۴؛ بیهقی، السنن الکبری، ج ۸، ص ۲۳۰.

اجتهادی چون رهیافت‌ها، پیش‌فرض‌ها، فرایند، کارکرد و لزوم آن پرداخت و به نقد دیدگاه رقیب و سنتی در بازیابی پرداخت و نشان داد راهکار ساده و سنتی رایج در بازیابی مستندات نصوص فقهی با چالش‌های جدی روبرو است. سویی دوم پژوهش‌ناظر به جنبه تطبیقی نظریه بود که بر پایه اصول و قواعد بازیابی اجتهادی نصوص فقهی، به بازیابی علمی و روشمند مستندات حدیثی مدنظر شیخ طوسی در عبارت «اخبارهم» در مسئله هجدهم الخلاف پرداخت. این مهم طی فرایندی حلقوی از تحلیل مسئله تا حدس مستندات حدیثی امکان‌پذیر است که بخش نخست آن در جستار دوم این مقاله بیان شد و ادامه بحث در مقاله مستقل منتشر خواهد شد. در این فرایند، پژوهشگر ابتدا با درنگ در متن فقهی الخلاف به تفسیری شفاف از مسئله، حکم و دلایل فتوای فقیه دست یافت و کوشید مفاهیم اساسی مسئله را به دست آورد و به تصور مفهومی دقیقی از ذهنیت شیخ طوسی در تقریر مسئله و بیان حکم آن دست پیدا کند؛ سپس با متدلوژی خاص بازیابی اجتهادی به تخریج نصوص اولیه مستند فتوای شیخ طوسی با استفاده از تلفیق روش لفظی - مفهومی اقدام کرد و به متون مشابه در نه منبع شیعی پیش از تألیف کتاب الخلاف دست یافت. پژوهشگر در فرایند رفت و برگشت میان مفاهیم مسئله، با یافته‌های اولیه به مقایسه و سنجش پرداخت و در تحلیل هر متن وجه تشابه یا تفاوت آن را با مسئله هجدهم الخلاف بیان نمود. در این فرایند تحلیل تطورات متنی مسئله از مصادر اولیه تا کتاب الخلاف و کشف زمینه‌ها و علل تغییرات احتمالی متون مسئله مدنظر پژوهشگر بود.

کتاب نامه

قرآن کریم

- ابن سلام، ابوعبید القاسم؛ غریب الحديث؛ بیروت: دار الكتاب العربي، ۱۳۸۴ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی؛ المناقب لآل ابی طالب؛ نجف اشرف: المكتبة الحيدرية، ۱۹۵۶م.
- ابن فارس، احمد؛ معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام هارون؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامي، ۱۴۰۴ق.
- ابن مبارک، عبدالله؛ مسند ابن مبارک؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۱م.
- بیهقی، أحمد؛ السنن الکبری؛ بیروت، دار الفکر، [بی تا].
- حربی، ابواسحاق؛ غریب الحديث؛ جده: دار المدينة، ۱۹۸۵م.
- حلی، حسن؛ تذکره الفقهاء؛ قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق.
- دوانی، علی؛ هزاره شیخ طوسی؛ تهران: دار التبلیغ اسلامی، ۱۳۴۹ش.
- شافعی، محمد؛ أحكام القرآن؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۰ق.
- شافعی، محمد؛ المسند؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، [بی تا].
- شافعی، محمد؛ کتاب الأم؛ بیروت: دار الفکر، ۱۹۸۳م.
- صنعانی، عبدالرزاق؛ المصتف؛ [بی جا]، منشورات المجلس العلمي، [بی تا].
- طوسی، محمد بن حسن؛ الخلاف؛ قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۰۷ق.
- طوسی، محمد بن حسن؛ المبسوط؛ تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء آثار الجعفرية، ۱۳۸۷ش.
- طوسی، محمد بن حسن؛ تهذيب الاحکام؛ طهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۵ش.
- فراہیدی، خليل؛ العين؛ تهران: مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۰۹ق.
- کمپانی زارع، مهدی؛ طوسی پژوهی؛ تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۲ش.
- کوفی، ابن أبي شيبه؛ المصتف؛ بیروت، دار الفکر، ۱۹۸۹م.
- محقق حلی، جعفر؛ شرائع الاسلام؛ تهران: استقلال، ۱۴۰۹ق.
- مفید، محمد؛ احکام النساء؛ بیروت: دار المفید، ۱۹۹۳م.
- مفید، محمد؛ المقنعه؛ قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
- نسائی، احمد؛ السنن الکبری؛ بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۱م.
- نوی، محی الدین؛ المجموع؛ بیروت: دار الفکر، [بی تا].
- نوی، محی الدین؛ شرح صحیح مسلم؛ بیروت: دار الكتاب العربي، ۱۴۰۷ق.
- واعظ زاده خراسانی، محمد؛ زندگی آیت الله العظمی بروجردی؛ تهران: مجمع تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۵ش.
- واعظ زاده خراسانی، محمد؛ یادنامه شیخ طوسی؛ مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۴ش.

۲۶۸

آینه پژوهش | ۲۱۰
سال ۳۵ | شماره ۶
پهمن و اسفند ۱۴۰۳